

شب همبستگی با مبارزات جنبش دانشجویی ایران

در آستانه سالروز قیام دانشجویی دانشجویان تهران در سال ۷۸ قرار گرفته ایم. قیام و خیزشی که از ۱۸ تیر شروع و تا ۲۳ تیر ماه به مدت شش روز تهران را به لرزه در آورد. این حرکت اعتراضی که در آغاز توسط دانشجویان کوی دانشگاه تهران و به بهانه تعطیلی روزنامه سلام، ارگان بخشی از "اصلاح طلبان" حکومتی شروع گردید، با یورش وحشیانه نیروهای سرکوبگر رژیم به خوابگاه کوی دانشجویی، به سرعت از چهاردیواری دانشگاه خارج و در خیابان های اطراف دانشگاه به صورت یک قیام دانشجویی تجلی یافت. در نیمه شب ۱۸ تیر ۷۸، مزدوران و نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی معروف به لباس شخصی، با یورش شبانه، خوابگاه دانشجویان را ویران کردند، دانشجویانی را از طبقه سوم و چهارم ساختمان به پائین پرتاب کردند، چشم دانشجویان را در آوردند، با شلیک گلوله، تعدادی از دانشجویان از جمله عزت ابراهیمی نژاد را به قتل رساندند.

از فردای یورش مزدوران رژیم به خوابگاه دانشجویان، اعتراضات دانشجویی از مدار "اصلاح طلبان" حکومتی خارج شد و به یک خیزش توده ای و قیام دانشجویی تمام عیار علیه کلیت نظام جمهوری اسلامی تبدیل گردید. تداوم قیام دانشجویی تهران و تبریز، آنچنان وحشتی در دل رژیم انداخت که تمامی جناح های جمهوری اسلامی برای سرکوب دانشجویان بسیج شدند. جمهوری اسلامی با تمام ارگان های سرکوبگرش به مقابله با دانشجویان و توده های مردمی که به قیام دانشجویی پیوسته بودند، برخاست.

پس از انتخابات نمایشی ۲۲ خرداد ۸۸، و انتصاب مجدد احمدی نژاد، در شرایطی که جنبش دانشجویی خود را برای بزرگداشت دهمین سالگرد قیام دانشجویی آماده می کرد، آدمکشان جمهوری اسلامی یک بار دیگر با یورش شبانه به کوی دانشگاه تهران، جنایتی بزرگتر از ۱۸ تیر ۷۸ را رقم زدند.

دانشجویان دانشگاه تهران، جزء اولین گروه هایی بودند که نسبت به انتصاب احمدی نژاد دست به اعتراض زدند. رژیم و نیروهای سرکوبگرش که وحشت تکرار قیام دانشجویی ۱۸ تیر ۷۸، خوابشان را آشفته کرده بود، اینبار نیز در همان شروع اعتراضات دانشجویی به خوابگاه دانشجویان یورش بردند. اعتراضات دانشجویان که از شامگاه روزشنبه ۲۳ خرداد آغاز شده بود، در دومین شب اعتراض با یورش وحشیانه نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی مواجه شد. پس از اتمام اعتراضات دانشجویی در شامگاه یکشنبه و رفتن آنان به خوابگاه های شان، فاجعه حمله به کوی دانشگاه تهران یک بار دیگر تکرار شد.

سرکوب دانشجویان در این یورش شبانه به حدی بود که علاوه بر کشته شدن ۵ دانشجو و زخمی شدن بسیاری دیگر از آنان، بیش از صد تن نیز، توسط نیروهای امنیتی دستگیر و به مکان های امن شکنجه منتقل شدند. به راستی چرا نیروهای آدم کش جمهوری اسلامی این چنین وحشیانه، جنبش دانشجویی و خوابگاه دانشجویان را مورد یورش شبانه قرار داده اند؟

واقعیت این است که جنبش دانشجویی ایران به لحاظ پیشینه انقلابی و نیز پتانسیل مبارزاتی خود، در میان توده های مردم ایران از جایگاه والایی برخوردار است. این جنبش، چه در دوران دیکتاتوری حکومت پهلوی و چه در حاکمیت جنایتکارانه جمهوری اسلامی، همواره دین خود را در همبستگی با مبارزات توده های مردم ایران ادا کرده است. جنبش دانشجویی ایران، به دلیل ماهیت وجودی خود، به دلیل نقش روشنگری و شور انقلابی حاکم بر این جنبش، نه تنها، تاثیر غیر قابل انکاری بر مبارزات آزادی خواهانه توده های مردم ایران داشته است، بلکه تاثیر بلافصل خود را بر دیگر جنبش های اجتماعی نیز گذاشته است.

در ده سال گذشته، به دلیل فقدان تشکل سراسری طبقه کارگر ایران، جنبش دانشجویی یکی از محورهای اصلی مبارزات آزادی خواهانه مردم ایران بوده است. خصوصاً، در یک سال گذشته به دلیل نقش برجسته ای که این جنبش در مقابل رژیم سرمایه داری حاکم بر ایران ایفاء کرده است، همواره در نوک پیکان حملات نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی بوده است. چنانکه هم اکنون نیز شاهدش هستیم، سرکوبگران جمهوری اسلامی بیشترین تهاجمات خود را روی جنبش دانشجویی ایران متمرکز کرده اند.

پس از ۲۲ خرداد ۸۸، خامنه ای، دولت احمدی نژاد و فرماندهان نظامی جمهوری اسلامی، با توجه به قیام دانشجویی ۷۸، می خواستند هرگونه اعتراضات دانشجویی را پیشاپیش در نطفه خفه کنند. آنها بر این گمان بودند که، با وضعیت ملتهب پیش آمده در جامعه، چه بسا هرگونه اعتراضات دانشجویی به سرعت در ابعاد قیام دیگری همانند ۱۸ تیر ظاهر گردد. سران جمهوری اسلامی هرگز فکر نمی کردند که این بار، با خیزش عمومی توده های میلیونی ایران روبرو خواهند شد. آنان، بر این تصور غلط بودند که با یورش به کوی دانشگاه، نه فقط از جنبش دانشجویی زهر چشم بگیرند بلکه، با سرکوب دانشجویان، جوانان و توده های معترض را نیز از ورود به عرصه اعتراضات عمومی باز دارند.

سران رژیم به خوبی بر نقش و تاثیر اعتراضات جنبش دانشجویی بر جوانان و توده های مردم، آنهم در فضائی که بعد از نمایش انتخاباتی در جامعه ایجاد شده بود، به خوبی واقف بودند.

آنان، به روشنی می دانستند که جنبش دانشجویی هم اکنون در سطحی بسیار فراتر از سال ۷۸ قرار دارد. در سال های گذشته، جنبش دانشجویی ایران، با سازماندهی حرکت های وسیع اعتراضی، تجارب و دست آوردهای بزرگی کسب کرده است. در این سال ها، جنبش دانشجویی، به ویژه بخش رادیکال، برابری طلب و سوسیالیست این جنبش، نشان داده است که با طرح شعارهای رادیکال، و مبارزه علیه کلیت نظام حاکم بر ایران، قادر است گام های اساسی در پیوند با توده های مردم ایران و دیگر جنبش های اجتماعی بردارد. از همین رو، در یک سال گذشته و طی هفته های اخیر، سرکوب، دستگیری های گسترده و شکنجه دانشجویان دستگیر شده، در راس برنامه های آدم کشان جمهوری اسلامی قرار داشته است.

مسئله جنبش دانشجویی ایران، با پشت سر گذاشتن شرایط اعتراضی همگانی که در یک سال گذشته بر جامعه حاکم بوده، وظایف نوینی را پیش روی خود دارد.

اتفاقات روی داده در جامعه، انتصاب مجدد احمدی نژاد توسط خامنه ای، خیزش اعتراضی و انقلابی توده های میلیونی و ظرفیت مبارزاتی حاکم بر اقلیت مردم، نشان داد که توهامات قانون گرایانه برای بهبود و اصلاح امور در چهار چوب نظام حاکم بر ایران، برای همیشه در ذهن توده های وسیع مردم منتفی شده است.

اگر جمهوری اسلامی با سرکوب قیام دانشجویی در ۱۸ تیر ۷۸، بر این باور بود که گریبان خود را از اعتراضات دانشجویی رها کرده است، دانشجویان و توده های مردم ایران با اعتراضات خیابانی خود از ۲۳ خرداد و از جمله تظاهرات ۱۸ تیر ۸۸، باطل بودن این تصور رژیم را اثبات کردند.

اگر در آستانه دهمین سالگرد قیام دانشجویی، مزدوران و نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی با یورش دوباره به خوابگاه دانشجویان در دانشگاه تهران و پس از آن به خوابگاه دانشگاه امیرکبیر، بر این باور بودند تا جنبش اعتراضی مردم و دانشجویان را از پیشروی و مبارزه علیه جمهوری اسلامی باز دارند، به عین دیدیم چگونه دانشجویان و توده های مردم ایران بر این خیال خام رژیم خط بطلان کشیدند.

دانشجویان، جوانان و توده های مردم ایران در دهمین سالگرد قیام دانشجویی ۱۸ تیر، با حضور در خیابان ها و سردادن شعار مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای نشان دادند که، نه تنها ۱۸ تیرها فراموش نمی شوند بلکه خود، زمینه ساز حرکت اعتراضی دانشجویان و شروع قیام مردم ایران برای سرنگونی انقلابی رژیم فاسد و مذهبی حاکم بر ایران است.

خیزش توده ای یک سال اخیر، آشکارا نشان داد که نه تنها دانشجویان، بلکه توده های وسیع مردم نیز، از طریق تجربه عملی خود دریافته اند که با انتخاب اشکال قانون گرایانه مبارزه، حتا به کمترین مطالبات خود نیز دست نخواهند یافت.

آنچه در طی دوران انتخابات ۲۲ خرداد رخ داد، نه فقط شکست سنگینی برای جناح موسوم به اصلاح طلب بود، بلکه شکست مقتضحانه ای برای همه آن گروه ها پی نیز بود که مروج قانونگرایی و تمکین توده های مردم ایران به نظم موجود بوده اند. مبارزات مردم طی یک سال گذشته، به آشکارترین شکل ممکن نشان داد که جناح حاکم، حتا طرح مطالبات نیروهای خودی را نیز در چهار چوب قوانین مکتوب و ارتجاعی همین رژیم بر نمی تابد.

درست در همین شرایط است که دانشجویان مبارز و فعالین گرایش چپ و سوسیالیستی جنبش دانشجویی که هم اینک در موقعیت سیاسی مناسبی قرار گرفته اند، قادر هستند با گسترش دامنه فعالیت های تبلیغی - ترویجی شان، ضرورت نفی کامل رفرمیسم، نفی شیوه های قانون گرایانه مبارزه با جمهوری اسلامی را در عرصه های وسیعتری بازتاب دهند.

جنبش دانشجویی و به طور اخص گرایش انقلابی و رادیکال آن، در همراهی با جنبش کارگری و حمایت از دیگر جنبش های اجتماعی، قدر مسلم قادر است در ابعادی به مراتب وسیعتر از گذشته، در جامعه و دانشگاه های کشور نقش آفرین باشد.

گرایش انقلابی، چپ و سوسیالیستی این جنبش به یقین بر این مسئله نیز اشراف دارد که اشکال قدیمی مبارزه، جواب گوی سطح فعلی مبارزات دانشجویی و خیزش انقلابی توده های مردم ایران نخواهد بود. در شرایط کنونی که بخش های وسیعتری از دانشجویان به صفوف مبارزه و اعتراضات توده ای پیوسته اند، دست یابی به اشکال جدید و رادیکال تر مبارزه، از جمله تشکیل کمیته های دانشجویی و حضور در محلات، می تواند راه گشای موثرتری برای سطح فعلی مبارزات جنبش دانشجویی باشد. اشکال نوینی که ظرفیت لازم جهت متشکل کردن گرایش های مختلف دانشجویی را داشته باشد. گرایشات گوناگونی که با نفی رفرمیسم، هم اکنون مبارزه علیه کلیت رژیم مستبد حاکم بر ایران را در برنامه عمل خود قرار داده اند.

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی- زنده باد جنبش دانشجویی ایران

کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) سوئد- واحد اروبرو